

## فهرست

۷.....	سیره پیامبر اکرم ﷺ
۹.....	بردباری پیامبر اکرم ﷺ
۱۱.....	گذشت و رأفت
۱۳.....	اخلاق محوری پیامبر ﷺ
۲۵.....	گفتار پیامبر اکرم ﷺ
۲۷.....	غذا خوردن پیامبر اکرم ﷺ
۳۲.....	لباس پوشیدن پیامبر اکرم ﷺ
۳۴.....	گذشت در هنگام قدرت
۳۷.....	نرم خوئی و خوش خلقی
۴۰.....	سخاوت و بخشنده‌گی
۴۲.....	شجاعت و دلیری
۴۴.....	خاکساری و افتادگی
۴۷.....	جمال آفتاب
۵۱.....	مهر از نگاه ماهان

گلبرگی از معجزات .....	۵۷
برگی از دفتر آفتاب .....	۶۵

### سیره پیامبر اکرم ﷺ

در آموزه‌های آسمانی اسلام، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان دو ثقل گران بها معرفی شده‌اند و خدا بین این دو ثقل، پیوندی ناگسستنی برقرار نموده است.

در کتب سیره، دقیق‌ترین رفتارهای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در لابه لای اوراق کهن ثبت شده است. ایشان چنین ستوده شده‌اند: او در برابر قرآن بسیار فروتن بود و همیشه از خدا می‌خواست که او را به آداب نیکو و مکارم اخلاق زینت دهد و در دعاهایش از خداوند می‌خواست: «اللَّهُمَّ حَسِّنْ خُلُقِي وَخُلُقِي؛ پروردگارا! آفرینش و خُلق و خوی مرا نیکو ساز»، و نیز می‌فرمود: «اللَّهُمَّ جَنِّبِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ؛ پروردگارا! مرا از اخلاق زشت دور گردان». خدا

---

۱. مسند أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۰۳؛ روضة الواعظین و

بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۲.

دعایش را مستجاب کرد زیرا که در قرآن فرموده است: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾<sup>۱</sup> «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم».

خداوند سترگ او را با کلام خویش پرورش داد و به او فرمود: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾<sup>۲</sup> «گذشت پیشه کن و به کارهای پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب».

اسلام دین مهربانی و مهر گستری است، پیوند بین خویشان و ایجاد رابطه عاطفی با نزدیکان پسند بزرگ دیگری از اسلام عزیز است، چه اینکه خدا می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۳</sup> «خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشان فرمان می دهد و از کارهای زشت و ناسپاس و ستم باز می دارد و به شما اندرز می دهد، باشد که پند بگیرید».

### بردباری پیامبر اکرم ﷺ

آموزه دیگری که بسیار در پرورش پیامبر اکرم ﷺ از سوی خداوند بزرگ بیان شده است، صبر و بردباری است، آنجا که خدا می فرماید: ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾<sup>۱</sup> «صبر کن و صبر تو جز به وسیله [توفیق] خدا نیست».

همچنین می فرماید: ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾<sup>۲</sup> «در آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش، این حاکی از عزم و اراده تو در امور است».

نیز می فرماید: ﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾<sup>۳</sup> «هرکه صبر کند و درگذرد، مسلماً این [خوشتن داری حاکی] از اراده قوی در کارها است».

همچنین می فرماید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۴</sup> «از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد».

۱. سوره غافر، آیه ۶۰. ۲. سوره اعراف، آیه ۱۹۹.

۳. سوره نحل، آیه ۹۰.

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۷. ۲. سوره لقمان، آیه ۱۷.

۳. سوره شوری، آیه ۴۳. ۴. سوره مائده، آیه ۱۳.

نیز می‌فرماید: «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»<sup>۱</sup> «باید عفو کنند و گذشت نمایند، مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟». و چنان بخشید و بخشود که کافران از بزرگواری و طبع بلند او انگشت حیرت به دندان گزیدند. چه اینکه خدا می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»<sup>۲</sup> [بدی] را به آنچه بهتر است دفع کن، آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمن است گویی دوست یک‌دل می‌گردد».

### گذشت و رأفت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنان خشم خود را فرو می‌برد که گاه کافران در طبع بلند او طمع می‌کردند. او هرگز جز برای خدا نگرفت و جز برای او وانگذاشت. او پیامبر رحمت و مهرورزی است، خدا سرشت او را بلند داشته و به او فرموده است: «وَالْكَافِرِينَ الْغَائِظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»<sup>۱</sup> «خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند»، و نیز: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ»<sup>۲</sup> «از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی را نکنند، آیا کسی دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟».

در جنگ احد، چون دندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شکستند و خون بر صورتش جاری شد، ایشان با دستش آن را پاک

۱. سوره نور، آیه ۲۲. ۲. سوره فصلت، آیه ۳۴.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۴. ۲. سوره حجرات، آیه ۱۲.

کرد و فرمود: چگونه رستگار می شوند قومی که صورت پیامبرشان را خونین ساختند در حالی که او آنان را به سوی خدا دعوت می کرد؟<sup>۱</sup>

خدا مَنت را بر بشر کامل ساخت و بشر را به داشتن چنین فرستاده ای نواخت، او پیامبر ﷺ را با خوی قرآن زینت داد و فرمود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ «به راستی که تو را خویی والا است».

خدا با این سخن، خوی نیکوی پیامبر ﷺ را برای مردم باز گفت، پیامبر ﷺ می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ وَيُبْغِضُ سَفْسَافَهَا»<sup>۲</sup>؛ خدا مکارم اخلاق را دوست دارد و اخلاق زشت را بد می دارد».

### اخلاق محوری پیامبر ﷺ

گرایش پیامبر اکرم ﷺ به اخلاق، نام او را در هر دین و کیش و مذهب و آئینی، ماندگار ساخت. توجه این آخرین فرستاده خدا به مقوله اخلاق، توجه همه جهانیان را به سوی این نقطه وحدت بخش آفرینش گرایاند.

مکارم اخلاق، والاترین عنصر انسانی و بشری است. از حضرت علی عليه السلام نقل شده که فرمود: در شگفتم از مسلمانی که برادر مسلمانش برای حاجتی نزد او می آید ولی خود را شایسته آن نمی داند؛ اگر آن را به امید ثواب یا ترس از عقاب، انجام نمی دهد، [لا اقل] آن را برای عمل به مکارم اخلاق انجام دهد که مکارم اخلاق، او را به مسیر نجات هدایت می کند.

مردی به او عرض کرد: آیا تو این را از رسول خدا ﷺ شنیده ای؟

امام عليه السلام فرمود: آری، و سخنی بهتر از این نیز شنیده ام، و آن در هنگامی بود که اسیران قبیله طیء را نزد

۱. الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۱۲۷؛ شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۵.

۲. مستدرک الحاکم النیسابوری، ج ۱، ص ۴۸.

پیامبر ﷺ آوردند، در بین آنان زنی بود که به پیامبر ﷺ گفت: ای محمد! مرا رها کن تا مورد شماتت اعراب واقع نشوم زیرا که من دختر رئیس قومم هستم و پدرم از ضعیف حمایت می‌کرد و زندانی را رها می‌ساخت و گرسنه را سیر می‌نمود و به مردم غذا می‌داد.

پیامبر ﷺ فرمود: ای زن! این صفت مؤمنان واقعی است، و اگر پدرت مؤمن بود بر او رحمت می‌فرستادیم. سپس دستور داد او را آزاد کردند و فرمود: پدرش مکارم اخلاق را دوست می‌داشت و خدا نیز مکارم اخلاق را دوست می‌دارد.

حسن معاشرت و نیکوکاری و نرم‌خویی و انجام کارهای خوب و دادن غذا و سلام کردن و به عیادت مریض رفتن [خواه نیکوکار باشد خواه بدکار] و به تشییع جنازهٔ مسلمان رفتن و حسن هم‌جواری با مسلمانان و کافران و احترام به پیر مردان و پیر زنان و پذیرش دعوت دعوت‌کننده به غذا و دعا برای او و عفو و اصلاح بین مردم و بخشش و کرم و ابتدا سلام کردن و فرو نشانیدن خشم و گذشت، همهٔ اینها از مکارم اخلاق هستند؛ و لهو و انجام امور باطل و غناء و دروغ‌گویی و غیبت و بخل و حرص و جفا و مکر و نیرنگ و سخن‌چینی و دو به هم زنی و قطع رحم و بدخلقی و تکبر و فخر فروشی و خودستایی و دشنام و کینه‌توزی و ستم و ظلم و دشمنی، همه از بدی‌های اخلاق است.

در خصوص مکارم اخلاق آخرین فرستادهٔ خدا، نقل‌های بسیاری در تاریخ وجود دارد و همه مقرر و معترف به آن هستند.

معاذ می‌گوید: پیامبر ﷺ به من فرمود: ای معاذ! تو را به تقوای الهی و راست‌گویی و وفای به عهد و امانت‌داری و ترک خیانت و احترام به حقوق همسایه و ترحم بر یتیم و نرم‌زبانی و سلام کردن و نیکوکاری و کوتاه نمودن آرزوها و ایمان‌داری و درنگ کردن در معانی قرآن و دوستی آخرت و ترس از روز حساب و تواضع سفارش می‌کنم، و تو را از دشنام دادن به حکیم و تکذیب راست‌گو و اطاعت از بدکار و سرپیچی از امام عادل و افساد بر روی زمین برحذر می‌کنم، و تو را به تقوای الهی در همه جا سفارش می‌کنم، و در برابر هر گناه مخفی به توبهٔ مخفی سفارش می‌کنم، و در برابر گناه آشکار به توبهٔ آشکار سفارش می‌نمایم.<sup>۱</sup>

این چنین، رسول خدا ﷺ بندگان خدا را پرورش داد و آنان را به مکارم اخلاق و آداب نیکو رهنمون شد. بسیار نوشته‌اند که: پیامبر اکرم ﷺ حلیم‌ترین<sup>۲</sup>، شجاع‌ترین<sup>۳</sup>، عادل‌ترین<sup>۴</sup> و پاک‌دامن‌ترین مردم بود به

۱. ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۳.

۲. اخلاق رسول خدا ﷺ؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۷۰.

۳. همان.

۴. سنن الترمذی، ص ۳۲؛ من لا يحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۴.

گونه‌ای که دستش به هیچ زنی که کنیز او یا همسر او یا محرّمش<sup>۱</sup> نبود، نخورد.

او با سخاوت‌ترین<sup>۲</sup> مردم بود به طوری که هیچ درهم و دیناری تا پایان شب نزد او باقی نمی‌ماند؛ و اگر چیزی می‌ماند و تا رسیدن شب، مستحقّ کمک را نمی‌یافت، به خانه بر نمی‌گشت تا آن را به محتاج و فقیر بدهد<sup>۳</sup>.

او از اموال و نعمت‌های الهی، بیش از قوت غالب یک سال را نگهداری نمی‌کرد. قوت غالب او خرما و جو بود و بقیه اموالش را در راه خدا خرج می‌کرد<sup>۴</sup>.

هیچ‌کس از او کمکی نخواست مگر اینکه به او کمک کرد و حتی دیگران را در قوت غالب یک سالش بر خود مقدم می‌داشت به گونه‌ای که قوتش قبل از پایان یک سال به پایان می‌رسید<sup>۵</sup>.

او کفش و لباسش را خود وصله می‌زد و در کارخانه کمک می‌نمود<sup>۶</sup>، در بریدن گوشت با آنان همکاری می‌کرد.

۱. شیخین آن را در حدیثی از امام علی (علیه السلام) در مورد عایشه نقل کرده‌اند.

۲. کشف‌الیقین، ص ۸۹

۳. سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۱۵۲؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۴. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۸۱؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۵. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۵۷؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۶. خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ سنن ترمذی، ج ۸، ص ۳۱؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

او با حیاترین مردم بود به گونه‌ای که در چهره هیچ‌کسی خیره نمی‌شد<sup>۱</sup>.

دعوت برده و آزاد را می‌پذیرفت<sup>۲</sup>. هدیه را قبول می‌کرد، هرچند جرعه‌ای شیر بود و آن را پاداش می‌داد. از صدقه نمی‌خورد<sup>۳</sup>. از پذیرفتن دعوت کنیز و مسکین خودداری نمی‌کرد. برای خدا خشم می‌گرفت ولی برای خود خشمگین نمی‌شد<sup>۴</sup>.

به حق عمل می‌کرد هرچند به ضرر او یا به ضرر اصحابش بود. وقتی کمک خواستن از مشرکان برای در هم کوبیدن دیگر مشرکان به او پیشنهاد شد، از قبول آن خودداری کرد، با اینکه تعداد یارانش کم بود و حتی به یک نفر نیز نیاز داشت فرمود: از مشرک کمک نمی‌خواهم<sup>۵</sup>.

نوشته‌اند: گاه از شدت گرسنگی سنگ به شکم می‌بست<sup>۶</sup>. آنچه را که به دست می‌آورد می‌خورد ولی چیزی درخواست نمی‌کرد. از خوردن غذای حلال خودداری نمی‌فرمود. اگر خرمایی بدون نان یا چیز کباب شده‌ای یا نان گندم یا جو یا حلوا یا غسل یا دوغی بدون نان

۱. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۲۵.

۲. سنن ترمذی، ص ۲۳؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۹۲؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۴. بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۵. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۰۱.

۶. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳۸؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

داشت، به همان اکتفا می کرد. اگر خربزه یا رطبی می یافت، میل می کرد<sup>۱</sup>.

هیچ گاه در حال تکیه دادن غذا نمی خورد. هیچ گاه سه روز متوالی از نان گندم سیر نشد تا اینکه نزد خدایش رفت، البته نه به خاطر فقر و بخل<sup>۲</sup> بلکه به خاطر ایثار.

دعوت به مهمانی را می پذیرفت و به عیادت بیماران می رفت. به تشییع جنازه می رفت<sup>۳</sup>. بین دشمنانش بدون محافظ راه می رفت<sup>۴</sup>.

متواضع ترین مردم بود؛ بدون هیچ تکبری، ساکت ترین آنها بود؛ و بدون اینکه پرحرف باشد، بلیغ ترین مردم<sup>۵</sup>.

هنگام تبسم<sup>۶</sup>، زیباترین بود. از کار دنیا آشفته نمی شد. آنچه در دسترس او بود، می پوشید<sup>۷</sup>. انگشتر او نقره بود و در انگشت کوچک دست چپ و راست می گذاشت<sup>۸</sup>.

۱. الانوار المحمدیه من المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲. امالی صدوق، ص ۱۹۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۸.

۳. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۳۵.

۴. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۳۱۳.

۵. الشماثل ترمذی، ص ۲۳.

۶. همان، ص ۱۶.

۷. همان، ص ۶.

۸. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۵۱؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

بر آنچه که برای او ممکن بود، سوار می شد. بوی خوش را دوست داشت و از بوی بد، متنفر بود<sup>۱</sup>.

با فقرا همنشینی می کرد و با فقیران غذا می خورد<sup>۲</sup>.

اهل فضل را به خاطر اخلاقشان گرامی می داشت و اهل شرف را با نیکی کردن به آنها آلف می داد<sup>۳</sup>. با بستگانش صله رحم داشت بی آنکه آنان را بر کسانی که از آنها بهتر بودند ترجیح دهد<sup>۴</sup>.

به هیچ کس جفا نمی کرد<sup>۵</sup>. عذرخواهی معذرت کننده را به آسانی می پذیرفت<sup>۶</sup>.

مزاح می کرد و چیزی به جز حق نمی گفت<sup>۷</sup>. می خندید اما قهقهه نمی زد<sup>۸</sup>. بازی مباح را می دید و از آن نهی نمی کرد. صدای بلند دیگران را می شنید ولی صبر می نمود<sup>۹</sup>.

۱. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۱۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۲۰؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۳. الشماثل ترمذی، ص ۱۷؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۴. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۵. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۵۰؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۶. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲۸۶؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۷. الشماثل ترمذی، ص ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۸. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۶۷؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۹. الدر المنثور، ج ۶، ص ۸۴.



شتر و گوسفند داشت که او و خانواده‌اش از شیر آنها استفاده می‌کردند. برده و کنیز داشت که خود را در خوراک و پوشاک بر آنها برتری نمی‌داد.<sup>۱</sup>

و قتلش را در غیر نزدیک شدن به خدا یا اصلاح امور زندگی‌اش سپری نمی‌کرد.<sup>۲</sup>

مسکین را تحقیر نمی‌کرد و از هیچ پادشاهی نمی‌ترسید؛ هر دو را به یک کیفیت به سوی خدا دعوت می‌کرد.<sup>۳</sup>

در کوه و صحرا بزرگ شد و در نوجوانی به چرانندگوسفندان می‌پرداخت در حالی که پدر و مادر خود را از دست داده بود.

خدا سیره نیکو و سیاست را در او جمع کرده بود در حالی که اُمّی بود.

خدا همه اخلاق نیکو و سنّت‌های پاک را به او آموخت و او را از اخبار گذشتگان و آیندگان باخبر ساخت و او را به راه نجات در آخرت رهنمون شد و اخلاص در دنیا را به او آموخت.

هیچ‌گاه کسی را دشنام نداد مگر اینکه کفاره و رحمتی برای او شد.<sup>۴</sup> در جنگی به او گفتند: چه می‌شد اگر

این دشمنان را لعن می‌کردی؟ فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً مُّهْدَاةً وَلَمْ أُبْعَثْ لَعْنًا؛ من برای هدایت و رحمت مبعوث شدم و برای لعن مبعوث نگشتم»<sup>۱</sup>.

هیچ خدمت‌گزاری را لعن نکرد.<sup>۲</sup>

اگر از او می‌خواستند که مسلمان یا کافر یا عام یا خاصی را نفرین کند، از نفرین کردن باز می‌ماند و برای او دعا می‌کرد.<sup>۳</sup>

با دست خود، هیچ کس را نزد مگر اینکه آن ضربه برای خدا بود. از هیچ کس انتقام نگرفت جز به دلیل اینکه حرمت‌های الهی هتک شده بود.

هرگاه آزاد یا برده یا کنیزی نزد او می‌آمد، برای برآوردن حاجتش با او همراه می‌شد.<sup>۴</sup>

از هیچ بستری برای استراحت ایراد نمی‌گرفت، و هرگاه برای او رختخواب پهن می‌کردند بر آن می‌خوابید، و گرنه روی زمین دراز می‌کشید.<sup>۵</sup>

خدا در تورات پیش از سفر اول او را این‌گونه توصیف کرد: «محمّد فرستاده خدا، بنده برگزیده من است، او نه تندخو و نه سنگدل است، در بازار بلند فریاد

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۴: كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليه السلام)، ج ۱، ص ۸ (با اندکی تفاوت).

۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۸۰: بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۳. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۲۰.

۴. سنن الدرامی، ج ۱، ص ۳۵.

۵. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۶.

۱. الشّمائیل ترمذی، ص ۱۷: بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۲. معانی الأخبار شیخ صدوق، ص ۸۱.

۳. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹.

۴. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۵: بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

نمی‌زند، بدی را با بدی جواب نمی‌دهد بلکه گذشت می‌کند.<sup>۱</sup>

خوی پیامبر ﷺ این بود که او همواره ابتدای به سلام می‌کرد.<sup>۲</sup> هرکس حاجتی را به او می‌گذاشت، به او فرصت می‌داد تا راه چاره‌ای بیابد.<sup>۳</sup>

هیچ‌گاه کسی با او دست‌نداد مگر اینکه خود او دستش را از دست پیامبر ﷺ جدا می‌کرد.

هرگاه به یکی از اصحابش می‌رسید ابتدا با او دست می‌داد سپس او را به آغوش می‌کشید و به سینه می‌فشرد.<sup>۴</sup> هیچ‌گاه در جایی نشست و از آن جا برنخواست جز اینکه یاد خدا در دل داشت.<sup>۵</sup>

هرگاه کسی هنگام نماز نزد او می‌آمد، نمازش را کوتاه می‌کرد و به او می‌فرمود: آیا کاری داری؟ و بعد از برآوردن حاجت او به نماز می‌ایستاد.

بیشتر دو زانو می‌نشست و دست‌های خود را روی زانوهای خود می‌گذاشت.<sup>۶</sup>

۱. امالی صدوق، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۲۴۰.

۲. معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. همان، ص ۸۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۳.

۴. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۶۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۶ (با اندکی تفاوت)؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵ (با اندکی تفاوت).

۵. معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۸۰؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۶. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۶۱؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

هیچ‌گاه محل نشستنش از محل نشستن اصحابش شناخته نمی‌شد زیرا که او در هر جایی که خالی بود، همان جا می‌نشست.<sup>۱</sup>

هیچ‌گاه دیده نشد که حتی بین یارانش، پایش را دراز کند تا مبادا جایشان را تنگ نماید مگر اینکه جا وسیع باشد.<sup>۲</sup>

بیشتر، نشستنش رو به قبله بود.<sup>۳</sup>

هرکس بر او وارد می‌شد او را گرمی می‌داشت، و چه بسا عباي خود را زیر کسی که با او قرابتی نداشت پهن می‌کرد. هرکس بر او وارد می‌شد، او را با دادن متکا اکرام می‌کرد، و اگر از قبول آن خودداری می‌نمود به او اصرار می‌ورزید تا آن را قبول کند.

با هرکه دوستی می‌نمود، گمان می‌کرد که گرمی‌ترین شخص نزد پیامبر ﷺ است. نگاهش را بین همه هم‌نشینانش تقسیم می‌کرد.

مجلس او مجلس حیا و تواضع و امانت‌داری بود.<sup>۴</sup> خدا در مورد او می‌فرماید: ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾<sup>۵</sup> «به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و [پُر مهر] شدی، و اگر تیزخو و سنگ‌دل بودی بی‌تردید از پیرامون تو پراکنده می‌شدند».

۱. المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۸۰؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵. ۴. معانی الاخبار، ص ۸۲.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

یارانش را با کنیه صدا می زد تا این گونه آنها را گرمی بدارد و دل هایشان را به سوی خود جلب کند، و هر که کنیه ای نداشت برای او کنیه می گذاشت. زنانی را که فرزندی داشتند، با کنیه صدا می زد؛ و برای زنانی که هنوز فرزندی نداشتند، کنیه می گذاشت.<sup>۱</sup> او حتی برای کودکان هم کنیه می گذاشت تا دل هایشان نرم گردد.<sup>۲</sup>

از همه دیرتر خشم می گرفت و از همه زودتر آشتی می کرد. او مهربان ترین مردم و بهترین کس برای مردم بود. در مجلس پیامبر ﷺ صداها بلند نمی شد.<sup>۳</sup>

### گفتار پیامبر اکرم ﷺ

والا گهرترین کلامی که بشر شنیده، قرآن کریم است. قرآن از دلب نوری و مطهر فرستاده ای شنیده شد که خود در سخن دانی و سخن رانی سرآمد خلق به شمار می رفت. پیامبر ﷺ فصیح ترین و خوش بیان ترین مردم بود، او همان کسی است که می فرمود: «أَنَا أَفْصَحُ الْعَرَبِ؛ مَنْ فَصِيحٌ تَرِينُ مَرْدَمَ عَرَبٍ هَسْتُمْ». و اهل بهشت با لهجه محمد ﷺ سخن می گویند.<sup>۱</sup>

او کم حرف و خوش بیان بود. وقتی سخن می گفت، پرحرف نبود و سخنش مانند دانه های تسبیح منظم بود. عایشه می گوید: او مثل شما سخن نمی گوید، سخن او منظم و پی در پی است ولی سخن شما پراکنده است.<sup>۲</sup> او کوتاه و به اختصار سخن می گفت و جبرئیل نیز بدین شکل با او سخن می گفت اما با همه اختصار

۱. مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۶۳.

۲. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳۷ و ۵۵.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۸۱.

۱. الدر المنثور، ج ۴، ص ۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۵۸؛ الاختصاص،

ص ۱۸۷. ۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱.

گویی‌اش، تمام مقصود خود را می‌رساند. سخنش جامع بود، نه کاستی در آن بود و نه زیادی. سخن او پی در پی بود و بین سخن خود درنگ می‌کرد تا شنونده آن را بفهمد.<sup>۱</sup>

نوشته‌اند: صدای رسایی داشت. او خوش صداترین مردم بود. سکوتی طولانی می‌کرد و بدون دلیل سخن نمی‌گفت. سخن زشت نمی‌راند. در خشم و رضا جز سخن حق نمی‌گفت.<sup>۲</sup> از کسی که بد دهان بود روی برمی‌گرداند. از چیز بدی که مایل نبود به آن تصریح کند، به کنایه سخن می‌آورد.<sup>۳</sup>

هرگاه ساکت می‌شد، اطرافیان او سخن می‌گفتند، نزد او تنازع در سخن راه نداشت. با جدیت، پند و موعظه می‌کرد<sup>۴</sup> و می‌فرمود: «لَا تَضْرِبُوا الْقُرْآنَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ فَإِنَّهُ أُنْزِلَ عَلَىٰ وَجْهِهِ<sup>۵</sup>؛ بخشی از قرآن را با بخش دیگر، درگیر نسازید زیرا قرآن به گونه‌های مختلفی نازل شده است».

تبسم با او و رفتار ملیحش معنی یافت چه اینکه این سخن در باره او را همه می‌دانند که «خنده او تبسم بود». او بیشتر از همه به یارانش تبسم می‌کرد، و چه بسا به گونه‌ای می‌خندید که دندان‌های پیش او نمایان می‌شد.<sup>۶</sup>

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۸۱

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۸۶. ۳. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۵۵.

۴. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱. ۵. مکارم الأخلاق، ص ۲۷.

۶. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۲۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۱۵ (با اندکی تفاوت).

### غذا خوردن پیامبر اکرم ﷺ

در باره غذا خوردن ایشان گفته‌اند: وسواس زیادی برای خوردن غذاهای رنگارنگ نداشت. وقتی که گرسنه بود، هر آنچه که دسترس بود می‌خورد، اما محبوب‌ترین غذا نزد وی غذایی بود که دست‌های بسیاری به سوی آن دراز می‌شد. هرگاه سفره پهن می‌شد می‌فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَّشْكُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعْمَةُ الْجَنَّةِ؛ خداوندا! این را نعمت شکر شده‌ای قرار بده و به نعمت بهشت، متصل گردان».

هرگاه برای غذا می‌نشست دو زانو می‌نشست همان‌طور که نمازگزار می‌نشیند جز اینکه زانو را بالای زانو و پا را بالای پا قرار می‌داد و می‌فرمود: من بنده هستم و مانند بردگان غذا می‌خورم و مانند بردگان می‌نشینم<sup>۱</sup>.

۱. مکارم الأخلاق الطبرانی، ص ۲۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

هرگز غذای داغ نمی خورد و می فرمود: غذای داغ بی برکت است و خدا ما را از آتش غذا نداده است، پس غذا را سرد نمایید.<sup>۱</sup>

از جلوی خودش غذا می خورد و با سه انگشت لقمه بر می داشت و گاه از انگشت چهارم کمک می گرفت. با دو انگشت، غذا نمی خورد و می فرمود: این گونه غذا خوردن، غذا خوردن شیطان است.<sup>۲</sup>

نان جوِ سبوس دار می خورد و خیار را با رطب و نمک. بهترین میوه ها نزد او رطب و خربزه و انگور بود. بیشتر غذایش آب و خرما بود.<sup>۳</sup> ماست را با خرما می خورد و آنها را اَطِيبِيْن می نامید.<sup>۴</sup>

در مورد خوردن گوشت می فرمود: گوشت، شنوایی را زیاد می کند؛ گوشت، سرورِ خوراکی های دنیا و آخرت است و اگر هر روز این غذا را از خدا می خواستم، آن را نصیب می کرد.<sup>۵</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۷؛ الکافی، ج ۶، ص ۳۲۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۹۸.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۳.

۳. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۲۰؛ وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۳۴ (با اندکی تفاوت).

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۰.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۲.

گوشت و کدو را به صورت تریه می خورد.<sup>۱</sup> کدو دوست داشت و می فرمود: کدو گیاه برادرم یونس است.<sup>۲</sup> عایشه می گفت: رسول خدا ﷺ می فرمود: ای عایشه! هر وقت غذا پختی کدوی آن را زیاد کن که کدو دل غمگین را شاد می کند.<sup>۳</sup>

گوشت پرندۀ ای که دیگری صید کرده بود می خورد<sup>۴</sup> ولی آنقدر رئوف و مهربان بود که خودش به شکار پرندۀ نمی رفت و آن را صید نمی کرد.

هرگاه گوشت می خورد سر را به زیر نمی افکند بلکه سر را بالا می گرفت و آن را با لذت می خورد.<sup>۵</sup>

نان را با روغن میل می کرد. از گوشت گوسفند، سردست و کتف را دوست می داشت. سرکه دوست داشت. از میان خرما، به خرماي عَجْوَه علاقه داشت و برای برکت نخل دعا می کرد و می فرمود: عَجْوَه درختی از بهشت و شفای سم و سحر است.<sup>۶</sup>

۱. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ المناقب، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. مکارم الأخلاق، ج ۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۲.

۳. محاسن برقی، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷.

۴. الشمانل ترمذی، ص ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۲.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۰.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸؛ الکافی، ج ۶، ص ۳۴۷؛ وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۸۵.

از خوردن قلوه بیزار بود زیرا به محل بول نزدیک است.<sup>۱</sup> سیر و پیاز و تره نمی خورد.<sup>۲</sup> هرگز از غذایی بد نمی گفت بلکه اگر از آن خوشش می آمد آن را می خورد و اگر از آن بدش می آمد، نمی خورد و رهاش می کرد. و اگر آن را به خاطر دوست نداشتن رها می کرد، سراغ غذای دیگری نمی رفت.<sup>۳</sup>

بعد از غذا دستانش را با دستمال پاک نمی کرد.<sup>۴</sup> پس از غذا می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَطَعْتُ وَأَسْبَغْتُ وَأَزَوَيْتُ، لَكَ الْحَمْدُ غَيْرَ مَكْفُورٍ وَلَا مُودَّعٍ وَلَا مُسْتَعْنِي عَنْهُ؛<sup>۵</sup> خداوند! ستایش از آن تو است که غذا دادی و سیر کردی و آب دادی و سیراب کردی، بدون هیچ ناسپاسی ستایش از آن تو است و بی نیازی از آن نیست».

اگر نان و گوشت می خورد، دست هایش را به خوبی می شست سپس باقیمانده آب را بر صورتش می ریخت.<sup>۶</sup> آب را در سه دفعه می نوشید و در بین آن «بسم الله» و در آخر سه بار «الحمد لله» می گفت.<sup>۷</sup> آب را می مکید و

ظرف را یک باره سر نمی کشید. چه بسا آب را با یک نفس می نوشید ولی در ظرف تنفس نمی کرد بلکه آن را از لب های خود دور می کرد.<sup>۱</sup>

از اهل خانه غذایی طلب نمی کرد و نمی گفت: فلان غذا را دوست دارم. اگر به او غذا می دادند می خورد و هرچه به او می دادند می پذیرفت و هر آبی که به او می دادند می نوشید، و چه بسا خود او بلند می شد و چیزی را که می خواست بر می داشت و می خورد یا می نوشید و دستور نمی داد.<sup>۲</sup>

۱. الکافی، ج ۶، ص ۲۵۴.

۲. مکارم الأخلاق، ج ۳۱؛ وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۳۵.

۳. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹۶.

۴. مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۲۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۰.

۵. عمل الیوم و اللیلة، ص ۱۲۵؛ الکافی، ج ۶، ص ۲۹۶ (با کمی تفاوت)؛

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۵۸ (با کمی تفاوت).

۶. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۱.

۷. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۲.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۶. ۲. مسند احمد، ج ۶، ص ۳۶۴.